

## دور شدن شوراهای حل اختلاف از میانجیگری

تا زمانی که شوراهای ساختاری دولتی و غیرتوافقی داشته باشد، نمی‌تواند به عنوان نهاد صلح و سازش عمل کند...



تا زمانی که شوراهای ساختاری دولتی و غیرتوافقی داشته باشد، نمی‌تواند به عنوان نهاد صلح و سازش عمل کند دور شدن شوراهای حل اختلاف از میانجیگری  
گرچه شوراهای حل اختلاف از زمان تاسیس تاکنون پرونده‌های زیادی را رسیدگی کرده‌اند و در جهت کاهش ارجاع پرونده‌ها به قوه قضاییه و اطلاع دادرسی‌ها موثر بوده‌اند، اما از نگاه برخی کارشناسان انتقاداتی به عملکرد آنها وارد است.

این انتقادات به جایی رسیده که آیت‌الله لاریجانی رئیس قوه قضاییه هم معتقد است باید بر عملکرد آنها نظارت بیشتری شود و شوراهای حل اختلاف به فلسفه وجودی خود که همانا ایجاد صلح و سازش میان شاکیان است، بازگردند.

آیت‌الله صادق آملی لاریجانی چندی پیش اعلام کرد که شوراهای حل اختلاف را باید تقویت کرد.

او حتی به موضوع نظارت بر شعب شوراهای حل اختلاف اشاره و تأکید کرد: «#171 از روسای شوراهای حل اختلاف در سراسر کشور می‌خواهیم تا نسبت به فعالیت اعضای زیرمجموعه خود نگاه دقیق‌تری داشته باشند».

روزی که پای حکم تشکیل شوراهای حل اختلاف (در سال 79) مهر و امضا شد، سخن آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی، رئیس وقت قوه قضاییه به عنوان مدافع درجه اول این طرح این بود که شوراهای حل اختلاف روحیه میانجیگری کاری کنند در فضایی که اداری و کارمندی نیست، پرونده‌ها به سمت صلح و سازش پیش بروند.

طرح مدنظر او بر ریش‌سفیدی و حکمیت استوار بود تا از این طریق فیلتری بر سر راه ورودی پرونده‌ها به محاکم ایجاد شود و تن فربه دستگاه قضایی که مالمال از پرونده‌های دعوای فریه‌تر نشود.

اما پس از آن که شوراهای حل اختلاف در شروع کار با تبلیغات فراوان شکل گرفت و در سال‌های ابتدایی سرعت رشد کرد، بتدریج در میانه راه دچار مشکل شد و این مشکلات به حدی جدی شد که حتی زمره‌های انحلال شوراهای حل اختلاف یا محدود کردنشان نیز به گوش رسید.

با این حال دستگاه قضایی نه حاضر است این شوراهای حل اختلاف را به طور کامل کنار بگذارد و تصمیم سال‌های قبل خود را منتفی کند و نه می‌خواهد گلیم شوراهای حل اختلاف را از این که هست گسترده‌تر کند. شاید برای همین است که هر از گاهی صحبت از اصلاح آن به میان می‌آید و پس از مدتی این تشکیلات و مشکلاتش به حال خود گذاشته می‌شود.

در ایران کمبود قانون نداریم اما با این حال هنوز عده‌ای طرفدار تصویب قوانین جدید هستند و ابایی ندارند اگر برگی بر کتاب‌های قطور قانون اضافه شود.

نویسندگان لایحه قانون جدید شوراهای حل اختلاف نیز این‌گونه فکر می‌کنند؛ همان‌هایی که آبان سال گذشته محمدمهدی احمدی میانجی، رئیس مرکز شوراهای حل اختلاف قوه قضاییه اعلام کرد که در حال نوشتن لایحه‌ای هستند که بر اساس آن بتوان شوراهای حل اختلاف را به دو گروه صدور رای و صلح و سازش تقسیم کرد.

این لایحه‌نویسان این هدف را دنبال می‌کنند، چون در تمام سال‌هایی که شوراهای فعال شده‌اند خرده اصلی به کارشان این است که به جای سوق دادن طرفین دعوی به سمت صلح و سازش، برای پرونده‌ها رای صادر می‌کنند و آتش نزاع میان طرفین یک پرونده را شعله‌ورتر می‌کند. شاید بر همین اساس است که رئیس قوه قضاییه می‌گوید: می‌توان با اصلاح قانون و ساختار شورای حل اختلاف موضوع صلح و سازش را به رویکرد اصلی شوراهای حل اختلاف تبدیل کنیم.

البته این خرده‌ها شامل حال تمام شوراهای حل اختلاف و همه اعضای آن نمی‌شود، چون اگر به آخرین آمار رسمی درباره عملکرد شوراهای حل اختلاف استناد کنیم، پیداست که از روز تاسیس شوراهای حل اختلاف تا میانه سال 30،90 میلیون پرونده در این شوراهای حل اختلاف مختومه شده که اگر نمی‌شد بارش بر دوش دادگاه‌ها و محاکم دادگستری می‌افتاد.

اما این که چرا با وجود این کارنامه قابل دفاع، نویسندگان لایحه جدید شوراها به دنبال تغییر در ساختار این تشکیلات هستند، خود سندی است بر اثبات وجود مشکلات ساختاری در شوراهای حل اختلاف که دانستن این موضوع را ضروری تر می کند که چرا وقتی درد معلوم است نسخه درمان آن (قانون جدید) زودتر پیچیده نمی شود؟

اصلاح، نه رفو

شاید تصویب یک قانون جدید نیز به کار شوراها نیاید، همان طور که تصویب قانون فعلی شوراها دردی از آن دوا نکرد و فقط مشکلاتش را عمیق تر کرد. حتما برای همین است که کارشناسان حقوقی همچون محسن روحانی، آرش دولتشاهی و مرتضی شهبازنیا در گفت و گو با جام جم دوی درد شوراهای حل اختلاف را اصلاح ساختاری می دانند و نه رفو کردن قوانین و وصله پینه زدن به آنها.

محسن روحانی، مدرس حوزه و عضو سابق شورای حل اختلاف که هنوز هم پرونده های دعوا را به سمت صلح و سازش پیش می برد، نه موافق محدود کردن شوراهای حل اختلاف است و نه موافق گسترده کردن بیش از حد آنها. او می گوید حتی زمانی که شوراها در سراسر کشور سرعت رشد می کرد او از مخالفان این رشد قارچ گونه بود، چون باور داشت که اگر شوراها بی قاعده رشد کند دیگر نمی شود آنها را جمع و جور کرد.

روحانی که علت اصلی انحراف شوراهای حل اختلاف را فاصله گرفتن آنها از مردم می داند، توضیح می دهد که در بدو تاسیس، اعضای شورا از مردم کوچک و بازار انتخاب می شدند و زمانی که مردم به شورا می آمدند می دانستند که هدف، رسیدن به صلح و سازش است نه صدور حکم، برای همین از طرح پرونده در شورا استقبال می کردند تا این که قانون شوراها اجازه صدور حکم به آنها را داد و این نهادها نیز شمایی اداری به خود گرفت و از هدف اولیه اش دور افتاد.

او با وجود این هنوز به انجام اصلاحات امیدوار است و باور دارد که اگر نظارت بر عملکرد شوراها تقویت شود آنها نه می توانند دست به تخلف بزنند و نه قادرند آرای بر خلاف مصالح مردم صادر کنند.

آرش دولتشاهی از وکلای دادگستری نیز به انجام اصلاحات در ساختار شوراها تاکید دارد، بویژه در شرایطی که به دلیل شفاف نبودن قانون هنوز اعضای شورا نیز نمی دانند که چه اموری در حیطه وظایفشان قرار دارد و نباید وارد چه حوزه هایی شوند.

تخلفات مالی در برخی از این شوراها را محصول کار بی مزد و مواجب اعضای آن می داند، به همین علت معتقد است که اگر در شوراها وضع حقوقی اعضا سر و سامان بگیرد و افراد متخصص جایگزین افراد بی تجربه شوند بخشی از مشکلات حل می شود و معضلات آنگاه به سمت حذف شدن پیش می رود؛ در واقع شورای حل اختلاف به شکل امروزی پوست بیندازد و به یک نهاد داوری به معنی واقعی کلمه تبدیل شود.

علاج درد با ترویج داوری

گفته می شود مشابه شوراهای حل اختلافی که در ایران وجود دارد در هیچ کجای دنیا نیست. مرتضی شهبازنیا، حقوقدان و مدرس داوری این گفته را تأیید می کند، چون معتقد است در کشورهای موفق جهان که پرونده ها را به سمت صلح و سازش پیش می برند نهادی که مسئول انجام کار داوری است هرگز دولتی و حاکمیتی نیست، در حالی که شوراهای حل اختلاف در ایران کاملاً دولتی است و مراجعه به آنها بر اساس اجبار است، نه مبتنی بر توافق طرفین.

به همین جهت این حقوقدان، شوراهای حل اختلاف را از اساس با اصل داوری بیگانه می داند و می گوید: یکی از شاخص های مهم حاکمیت قانون، دسترسی به دادرسی عادلانه است که این دادرسی عادلانه یا از طریق دادگاه های حاکمیتی محقق می شود یا از طریق نهادهای جایگزین حل و فصل اختلاف که بر پایه داوری، میانجیگری و سازش استوار است. این در حالی است که شوراهای حل اختلاف در کشور به جای میل به سمت داوری و صلح و سازش به نهادهای دولتی تبدیل شده اند که کار محاکم دادگستری را انجام می دهند.

به گفته او، شوراهای حل اختلاف برای بازگشت به مسیر اصلی راهی جز حرکت به سمت داوری، میانجیگری و صلح و سازش ندارند و پرونده های ورودی به محاکم فقط در شرایطی کم می شود که سیستم قضایی به جای تاسیس نهادهای موازی حاکمیتی بر ترویج شیوه های خصوصی داوری تمرکز کند.

مریم خباز / گروه جامعه